

عاشوراهاى ماندگار در حافظه تاريخى شهر

دوباره صدای ناله کاروانی می آید که ۱۴۰۰ سال است هربار با پرچم خونین کربلا از دل تاریخ عبور می کند و صدای مظلومیتش شعر آزادمردان است؛ صدای «باحسین(ع)» که در دل محرمها، گاه آهسته و گاه بلند، به گوش رسیده، اما هرگز خاموش نشده است، حتی در آوردگاه سخت ترین دورانها. و مشهد، شهری که بیریق این آزادی را هرگز از شانه پایین نگذاشته، چه بسیار روزهای مهمی را پشت سر گذاشته که با عاشورا گره خورده و این گزارش، مروری است بر همین رخدادها. در سطرهای پیش رو به چند حادثه مهم در مشهد صد سال گذشته اشاره کرده ایم که از آنها به عنوان «عاشوراهاى ماندگار تاریخ مشهد» نام می برند.



هما سعادت‌مند



عکس تزئینی است

محرم سال ۱۳۴۲؛

شورش در مشهد و

تعطیلی مسجد گوهرشاد

تاریخ نگاران خرداد سال ۱۳۴۲ را پیوند «محرم و انقلاب» نامیده اند و آن را اتفاقی بی نظیر در تاریخ نهضت امام خمینی(ه) می دانند. در مشهد این دوران، محرم با حوادث بسیاری رقم می خورد که مهم ترین آنها حادثه قتل غلامعلی شباهنگ، شورش مردم و تعطیلی چندروزه مسجد گوهرشاد است. در تورق این بخش از تاریخ چنین آمده است: حکومت پهلوی به نصب اعلامیه امام خمینی(ره) روی دیوارها حساس بود. از این رو در روز دهم خرداد (یک روز مانده به تاسوعا و عاشورای حسینی) که مردم مشغول خواندن اعلامیه امام(ره) جلو در مسجد گوهرشاد بودند، یکی از مأموران حکومت پهلوی به نام غلامعلی شباهنگ، اعلامیه امام خمینی(ره) را پاره می کند. این عمل او سبب قتل خودش و جنجالی تازه در شهر می شود. با این همه، چیزی را تغییر نمی دهد و مردم همچنان تصویر پیر و مرادشان را بر دیوارها نقش می کنند. با افزایش عکسهای امام خمینی(ره) روی در و دیوار شهرها در آغازین روزهای محرم، ساواک در بخش نامه ای به شهرهای مختلف از جمله مشهد دستور می دهد که «در هر مغازه و محلی که عکس آیتا... خمینی الصاق شده، روی آن تمثال حضرت امیرالمؤمنین(ع) چسبانده شود.»



۱۳ خرداد، هم زمان

با عاشورای حسینی،

روشنگری علمابر

منبر منازل و مساجد

روشن تر می شود و

سیاه‌نویسی ساواک

بر حکم دستگیری آنان

شدیدتر.

روز ۱۴ خرداد، مردم همچنان مشغول توزیع و چسباندن اعلامیه به دیوارهای مسجد گوهرشاد هستند؛ آن طور که بر اساس گزارش ساواک، ۱۵۰ نفر در این روز به همین دلیل دستگیر می شوند. بیشتر توزیع کنندگان اعلامیه ها را طلاب جوانی تشکیل می دهند که با بیت علمای مبارز مشهد در رفت و آمد بوده اند. در روز ۱۵ خرداد نیز سربازها و تانک ها شهر مشهد را اشغال و ژاندارمها با اسب به مردم کوچه و بازار حمله می کنند. در شب همین روز نیز حدود ۲۰ هزار نفر از مردم در منزل آیتا... قمی برای اجرای مراسم سوگواری گرد هم می آیند. مندرج است که عوامل حکومت از ترس، ۸ کامیون حامل سرباز برای اکلانتری و یک گردان برای استقرار در اطراف حرم امام رضا(ع) در این روز اعزام می کنند، مگر به این حیل، علاج حادثه پیش از وقوع کنند و جلو هرگونه حرکت انقلابی را بگیرند، اما زهی خیال باطل! ماجرای ۱۵ خرداد مشهد، با دستگیری برخی علمای نامی شهر و تعطیلی مسجد گوهرشاد به سکوتی کوتاه مدت ختم می شود؛ سکوتی که حکم آتش زیر خاکستر را دارد و کمی بعدتر در دیگر مبارزات مردم مشهد علیه حکومت پهلوی رخ عیان می کند.

محرم دوران رضاخان؛ ممنوعیت عزاداری و شکل گیری گروه های پنهان مبارزاتی

به گواهی تاریخ و اسناد برجای مانده آن، مشهد در همین یک سده گذشته، چند رخداد مهم را تجربه کرده که تقارن تقویمی آنها با محرم و عاشورا سبب ماندگارتر شدن یاد و اثرگذاری آنها شده است؛ رخدادهایی که هر کدام برگی از تاریخ این شهر و کشور را ورق زده اند و نخستین آنها شاید نخستین محرم پس از ممنوعیت عزاداری های مذهبی در دوره رضاخان باشد. دلیل اهمیت این محرم آن هم در شهر مذهبی مشهد را ابتدا باید در شکل گیری گروه های مبارزاتی علیه حکومت وقت دانست. ماجرا از این قرار است که اواخر اسفند ۱۳۱۴ شمسی، پهلوی اول دستور منع عزاداری ها را صادر می کند. این دستور دو روز مانده به نوروز سال ۱۳۱۵ شمسی، طی بخش نامه محرمانه ای در وزارت داخله به استانداران ابلاغ می شود. او در پاسخ به نامه ستاد ارتش درباره چگونگی برخورد با مراسم ایام محرم در مساجد و تکایا، چنین می نویسد: «البته باید روضه خوانی کنند و ممانعت نمی شود، اما روضه خوانی باید در مساجد و تکایا باشد، آن هم مرتب و با قاعده و در روی نیمکتها مستمعین بنشینند و آقایان محدثین و متخصص، روضه خوانی کنند. سینه زنی و از این قبیل کارهای سابق به کلی ممنوع است.» ممنوعیت عزاداری ها تا سال ۱۳۱۶ شمسی هر روز سخت تر از پیش ادامه می یابد تا آنجا که در این سال مردم حق نداشتند در ماه محرم از لباس مشکی، پارچه سیاه و هر جلوه محرمی دیگری برای نشان دادن عزاداربودنشان استفاده کنند. پس از این است که آژانها و عمله های نظمیه مجاز می شوند بر عزاداران در هر مجلسی بشورند و چماق بر پیکرهایی بکوبند که قلبشان شرحه شرحه داغ کربلاست. این مجوز نه فقط حسینیه ها و تکایا که پشت دیوار خانه ها و خلوت عوام را هم تفتیش می کرد تا صدای هر نجوا و شیونی را در گلو خفه کند. پس از این است که خانواده های مذهبی تصمیم می گیرند آیین های عزاداری محرم را پنهانی و زیرزمینی در باغ های بیرون شهر یا حتی در حمام های عمومی با حضور تعداد محدودی از افراد برگزار کنند. این راهکار در ادامه سبب شکل گیری حلقه های مبارزات مردمی در مشهد می شود؛ حلقه هایی که می توان بعدها اعضای آن را به عنوان سردمداران یا رهبران صف های اعتراضی علیه حکومت دید که دامنه آن به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نیز می رسد.